

ایران و جهان شمولی قواعد بنیادین حقوق بشر

دکتر مهدی ذاکریان*

چکیده

فرایند رویدادهای دهه گذشته و خواسته‌های امروزی جامعه بین‌المللی نشان می‌دهند که چگونه گسترش، فراگیری و جهان‌شمولی اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان‌نامه‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد در راستای منافع همه ملت‌ها و کشورهای عضو سازمان ملل است. همچنین هم‌اندیشی جامعه بین‌المللی بر روی یکسری قواعد حقوق بشر مانند ممنوعیت شکنجه، بردگی، حق حیات، آزادی بیان و مانند این که قواعد بنیادین حقوق بشر^۱ نامیده می‌شوند غیرقابل نقض هستند. این دو مفروض بر نهادهای سازنده‌های حقوق بشری و پشتیبانی از حقوق بشر در هر کجایی از دنیا از جمله کشور ما اثرگذارند. به همین روی ایران در برابر

* عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (mzakerian@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۵/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱/۱۷

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۰۷-۱۲۵.

1. Noyau Dur

فرایند جهان‌شمولی حقوق بشر از چه راهبردی می‌تواند بهره بگیرد؟ در حالی که به ادعای بسیاری از دانشمندان روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل، جهان‌شمولی حقوق بشر پلی است برای امنیت و پیشرفت کشورها. با قرار دادن این ادعا در حاشیه، این پرسش کلیدی را مطرح می‌کنیم که راهبرد بهینه ایران در برابر فرایند جهان‌شمولی حقوق بشر چیست؟ این پژوهش این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که از آنجا که فرهنگ و باورهای بومی و دیرینه فرهنگی، مذهبی و ملی هر کشوری در موضوع حقوق بشر از زمینه نسبی فراگیری و جهان‌شمولی برخوردار است، راهبرد بهینه ایران دنبال کردن میان‌فرهنگی بودن قواعد بنیادین حقوق بشر است. در راستای آزمون این فرضیه، چگونگی شکل‌گیری پیمان‌نامه‌های حقوق بشری و مواضع ایران، تمایزات فرهنگی ایران و انواع جهان‌شمولی‌ها، حق شرط و تفسیرهای ویژه از حقوق بشر، گفت‌وگوهای نظری و دانشگاهی در زمینه جهان‌شمولی حقوق بشر، نسبت‌گرایی فرهنگی و تأثیر میان‌فرهنگی بودن قواعد بنیادین حقوق بشر بر آشتی بین نسبی‌گرایی و جهان‌شمولی حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد. رویکردها است.

واژه‌های کلیدی: ایران، جهان‌شمولی، حقوق بشر، میان‌فرهنگی، استراتژی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

دانشگاهی درباره دو نکته از ایران پرسید: نخست اینکه سیستم حقوقی ایران چیست؟ دوم اینکه آیا نظام سیاسی ایران در مسیر جهان‌شمولی حقوق بشر گام برمی‌دارد یا در مسیر نسبی‌گرایی؟ همین دو پرسش بعدها سبب شد تا پژوهش‌های خود را در موضوع جهان‌شمولی حقوق بشر و ایران دنبال کنم. اینکه ایران با سیستم حقوقی اسلامی که به Civil Law نزدیک است چگونه می‌تواند بیشترین پشتیبانی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد و حقوق محیط زیست، پیشرفت و صلح را در جامعه خود انجام دهد؟ آیا این تلاش در راستای جهان‌شمولی حقوق بشر است یا نسبی‌گرایی؟ یا میان‌فرهنگی بودن^۱ حقوق بشر؟ اینها نخستین و باارزش‌ترین پرسشی بودند که در مسیر پژوهش‌های خویش دنبال کردم. با این همه از دو مفروض در پژوهش‌های خویش باز نماندم به نوعی که بتوان حقوق افراد و اجتماع را در صورت تحقق هریک از این گزینه‌ها، مورد پشتیبانی قرار داد:

(۱) گسترش، فراگیری و جهان‌شمولی اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان‌نامه‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد در راستای منافع همه ملت‌ها و کشورهای عضو سازمان ملل است؛^۲ قواعد بنیادین حقوق بشر^۲ غیرقابل نقض هستند.

فرایند رویدادهای دهه گذشته و خواسته‌های امروزی جامعه بین‌المللی نشان می‌دهند که چگونه این دو مفروض بر نهادهای سازنده‌سازی هنجارهای حقوق بشری و

پشتیبانی از حقوق بشر در هر کجای دنیا از جمله کشور ما اثرگذارند. این دو مفروض به اندازه‌ای مورد توجه است که بسیاری از پژوهشگران روابط بین‌الملل بر این باورند که دو چالش بزرگ و کنونی جامعه بین‌المللی یعنی تروریسم و تولید سلاح‌های کشتار جمعی ریشه در نبود حقوق بشر و دموکراسی دارند. برای نمونه اگر عراق یک کشور مردم‌سالار بر پایه حقوق بشر می‌بود، شاید صدام حسینی در آنجا به قدرت نمی‌رسید و همواره بر اریکه قدرت باقی نمی‌ماند، سلاح‌های کشتار جمعی تولید نمی‌شد، تجاوز و جنگ با دو کشور همسایه در نمی‌گرفت، نسل‌کشی و پاکسازی نژادی کردها انجام نمی‌شد، قیام شیعیان جنوب عراق سرکوب نمی‌شد، عراق به اشغال بیگانگان در نمی‌آمد و اکنون نیز در آن کشور تروریسم پا نمی‌گرفت. همه اینها روی نمی‌داد اگر در عراق حقوق بشر و دموکراسی می‌بود.

این موضوع، داستان همه کشورهای منطقه ماست. اینکه چرخه نبود حقوق بشر به تنومندی قواعد و رفتارهای غیرمدنی می‌انجامد؛ به همین روی، هرچه حقوق بشر فراگیرتر و به عبارتی جهان‌شمول شود کشورها امن‌تر می‌شوند. به ادعای بسیاری از دانشمندان روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل، جهان‌شمولی حقوق بشر پلی است برای امنیت و پیشرفت کشورها. با قرار دادن این ادعا در حاشیه و قرار دادن دو مفروض پیش گفته‌شده در متن، این پرسش کلیدی را مطرح می‌کنیم که راهبرد بهینه ایران در برابر فرایند جهان‌شمولی حقوق بشر چیست؟

برای پاسخ به پرسش گفته‌شده، این فرضیه مورد آزمون قرار می‌گیرد که از آنجا که فرهنگ و باورهای بومی و دیرینه فرهنگی، مذهبی و ملی هر کشوری در موضوع حقوق بشر از زمینه نسبی فراگیری و جهان‌شمولی برخوردار است، راهبرد بهینه ایران دنبال کردن میان‌فرهنگی بودن قواعد بنیادین حقوق بشر است. در راستای آزمون این فرضیه، چگونگی شکل‌گیری پیمان‌نامه‌های حقوق بشری و مواضع ایران، تمایزات فرهنگی ایران و تصویب کنوانسیون‌های حقوق بشری، حق شرط و تفسیرهای ویژه از حقوق بشر، گفت و گوهای نظری و دانشگاهی در زمینه جهان‌شمولی حقوق بشر، نسبت‌گرایی فرهنگی و فرایند ایجاد، رشد و گسترش قواعد بنیادین حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. ایران و پیمان نامه‌های حقوق بشری

۱-۱. ایران و منشور ملل متحد

ایران از جمله کشورهای است که مشارکت گسترده و مؤثری در کنفرانس سانفرانسیسکو داشت. به همین روی، نمایندگان ایران در هنگام تهیه و تصویب منشور ملل متحد از رویکرد نظریه پردازانه برخوردار بوده‌اند. در این راستا ایران هنگام بحث درباره حق و تو از مخالفان جدی آن بود. در مقابل، ایران نسبت به شماری از رویکردهای حقوق بشری و مسائل زنان از دیدگاه مثبتی برخوردار بوده^(۱) و به همین دلیل در هنگام تصویب منشور به ویژه دیباچه منشور، بند ۳ ماده ۱، بند ب ماده ۱۳، بند ج ماده ۵۵، ماده ۵۶، بند ۲ ماده ۶۲، ماده ۶۸ و ماده ۷۶ با رویکردی مثبت آنها را مورد تصویب قرار داده و هم‌اکنون نیز به لحاظ حقوقی و سیاسی از جمله تعهدات و باورهای حقوقی ایران در برابر منشور سازمان ملل متحد محسوب می‌شود.

۲-۱. ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر

امروزه همه کشورهای به این باور رسیده‌اند که انجیل حقوق بشر جامعه بین‌المللی «اعلامیه جهانی حقوق بشر» است که به تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است. این اعلامیه به اندازه‌ای مورد توجه است که همه کنوانسیون‌های بین‌المللی و اعلامیه‌های منطقه‌ای حقوق بشر آن را زیر بنا قرار داده و آنگاه هنجارهای تازه خود را ارائه می‌کنند. به عبارتی در ادبیات تخصصی حقوق بین‌الملل از اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان قانون اساسی جامعه بین‌المللی یاد می‌کنند. به همین دلیل اینکه کشورها چه باوری و چه موضعی در هنگام تصویب آن داشتند، دارای اهمیت است. نگارش و تصویب اعلامیه حقوق بشر بین نشست یکم و سوم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از ۲۷ ژانویه ۱۹۴۷ تا ۱۸ ژوئن ۱۹۴۸ صورت گرفت.^(۲) ایران یکی از ۱۴ کشور عضو این کمیسیون بود که در نگارش و تصحیح آن نقش داشت. همچنین هنگام رأی‌گیری اعلامیه در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ایران به این اعلامیه رأی مثبت داد.

۳-۱. ایران و کنوانسیون‌های تخصصی حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر در کنار تصویب اعلامیه حقوق بشر تلاش کرد تا پیمان‌نامه‌ها و کنوانسیون‌هایی را تدوین کند تا کشورها را هرچه بیشتر به حقوق بشر متعهد کند. ایران در این زمینه به پیمان‌نامه‌های حقوق مدنی و سیاسی و پیمان‌نامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تهیه و تدوین شدند، پیوسته است. همچنین ایران به کنوانسیون بین‌المللی محو هرگونه نابرابری نژادی، کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک درباره فروش، سوءاستفاده و عکس‌برداری غیرمشروع از کودکان پیوسته است.^(۳) ایران بجز کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل الحاقی آن به سایر کنوانسیون‌های نامبرده بدون هیچ‌گونه حق شرطی پیوسته است. ضمن اینکه بسیاری از این کنوانسیون‌های حقوق بشر به حقوق عرفی تبدیل شده‌اند^(۴) و به صورت خودکار برای همه نظام‌های سیاسی لازم‌الاجرا هستند.

۲. ایران و میان‌فرهنگی بودن حقوق بشر

۲-۱. نسبیّت‌گرایی فرهنگی

فراگیری مطلق و دربیست همه قواعد حقوق بشر، چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ کاربردی و عملیاتی از سوی نظریه‌پردازان و مجریان بسیاری از کشورها مورد چالش قرار گرفته است. به باور آنها، هنجارهای کنونی حقوق بشر بیانگر دستاوردهای همه ملل متمدن جهان نیست. بر این پایه، قواعد حقوق بشر بر اساس تمایزات فرهنگی هر یک از کشورها قابل تفسیر و اعمال است. در این نظریه، اگرچه پایه‌های حقوق بشر از جمله آزادی بیان، دوری از شکنجه، عطف بماسبق نشدن قانون در امور کیفری و... نزد همه کشورها و مردم همه جای دنیا، اصول قابل احترامی هستند، اما این به عهده یک کشور است که با توجه به اصول اخلاقی خویش به منظور حمایت از اخلاق^(۵) به تفسیر، مرزبندی، ضرورت و انجام اصول بنیادین حقوق بشر بپردازد. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که این باور را در یک قالب متعادل ترویج می‌کند. به باور ایران می‌توان تفسیرهای

گوناگونی از اعلامیه جهانی حقوق بشر داشت و برداشت باخترنشینان از حقوق بشر نادرست است، زیرا آنها استاندارد و معیار درستی و نادرستی حقوق بشر را تنها رفتارها و باورهای خودشان می‌دانند. درحالی‌که حقوق بشر بر پایه تمایزات فرهنگی هر کشور قابل تفسیر و تأویل است.

این رویکرد ایران در دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده هاندی ساید^۱ نیز به گونه‌ای مورد تأیید قرار گرفته است. دادگاه در این پرونده اعلام کرد اگرچه در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، سازوکار پشتیبانی از حقوق بشر پیش‌بینی شده، اما این سازوکار، تکمیلی است و کمکی به نظام‌های ملی حقوق بشر برای حمایت از حقوق بشر است؛^(۶) بنابراین، اصل و بنیاد، توجه به هنجارهای بومی، ملی و محلی کشورهای عضو است. همچنین به طور ویژه ممکن نیست که در حقوق بومی کشورهای گوناگون طرف کنوانسیون، یک مفهوم اخلاقی مشترک را یافت. این نگرش از قوانینی یافت می‌شود که با توجه به ویژگی‌های اخلاقی از زمانی به زمان دیگر و از مکانی به مکان دیگر فرق دارد.^(۷)

دادگاه تأکید می‌کند که مقامات دولتی به دلیل ارتباط مستقیم و مدام با ارزش‌ها و هیجان‌های کشور خود، در اصل شایستگی بیشتری نسبت به قضات بین‌المللی در ارائه یک ایده دقیق از محتوای بحث «ضرورت»، «محدودیت» یا «مجازات» در موضوعات حقوق بشری دارند. به همین روی، به عهده مقامات ملی است که ارزیابی‌ای از واقعیت نیازهای اجتماعی و از مفهوم «ضرورت» در این موضوع داشته باشند.^(۸) همچنین دادگاه به مفهوم Margin Of Appreciation اشاره می‌کند، یعنی اینکه دادگاه به هر کشور این اجازه را می‌دهد که با توجه به تمایزات خویش، حقوق بشر را تعریف کنند.

بر پایه این تصمیم، دادگاه که همراه با کمیسیون برای نظارت بر تعهدات دولت‌ها برابر با ماده ۱۹ مسئول است، اعلام می‌کند که «محدودیت» یا «مجازات» با مفهوم «آزادی بیان» که در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد حمایت قرار گرفته، قابل سازش و جمع است. عملکرد ناظرانه دادگاه ایجاب می‌کند که دادگاه بیشترین توجه را به ویژگی‌های بنیادی یک «جامعه دموکراتیک» داشته

باشد؛^(۹) به این معنی که هر نوع «شما»، «شرط»، «محدودیت» یا «مجازات» می‌تواند در یک جامعه دموکراتیک دنبال شود؛ به این شرط که با هدف مشروع، تناسب داشته باشند. از زاویه‌ای دیگر، هر نوع تکلیف در آزادی بیان شامل «تکالیف و مسئولیت‌ها» است که هریک مربوط به شرایط تکنیکی ویژه هر کشوری است که دارنده آن است. در نتیجه، دادگاه نمی‌تواند به «وظایف» و «مسئولیت‌های» فرد توجه کند هنگامی که این مورد به بررسی «محدودیت‌ها» یا «مجازات‌هایی» مربوط می‌شود که در ارتباط با «حمایت از اخلاقیات» قرار دارند که آن اخلاقیات «ضرورت‌ها»ی یک «جامعه دموکراتیک» را به وجود می‌آورند؛^(۱۰) بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود که تمایزات فرهنگی کشورها در تفسیر آنها از موضوع حقوق بشر بسیار راهگشاست.

از سوی دیگر ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند یک اشعار می‌دارد: «هرکس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد». در بند دو این ماده اضافه می‌شود: «هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور تأمین، شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع شده است».^(۱۱) از آنجا که نظم عمومی و مقتضیات صحیح اخلاقی مورد لحاظ قرار گرفته بنابراین کشورها می‌توانند با توجه به مقتضیات اخلاقی بخش‌هایی از حقوق بشر را در متن زندگی شهروندان خویش قرار ندهند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت ادعای ایران ریشه‌های حقوقی محکمی نیز دارد. به رغم تأکید و تأیید پرونده هانندی سایید و نیز ماده ۲۹ اعلامیه حقوق بشر که راهنمایی برای پیگیری تمایزات فرهنگی در موضوع حقوق بشر هستند و نیز بحث نسبیّت فرهنگی را با توجه به تفسیر و مقتضیات اخلاقی تا اندازه‌ای مورد تأیید قرار می‌دهند، ولی ضروری است به سوءاستفاده برخی از واحدهای سیاسی نظام بین‌الملل در این زمینه توجه کنیم، زیرا این بحث هم از زاویه‌ای دیگر درست است که امروزه، تعدد فرهنگی و نسبیّت فرهنگی از سوی برخی دولتمردان کشورهای ناقض حقوق بشر دنبال می‌شود که این امر چیزی نیست جز سرپوشی بر اعمال

مستبدانه و غیرانسانی آنها نسبت به شهروندانشان به منظور تداوم حاکمیت فردی - نه ملی و نه جهانی - بر توده‌های ناآگاه.^(۱۲) به همین دلیل، ایران در بهره‌مندی از مفهوم نسبیّت فرهنگی نیازمند دقت و تنها ارائه دلایل حقوقی است تا سیاسی، زیرا به باور بسیاری از پژوهشگران حقوق بشر، نسبیّت‌گرایی فرهنگی ابزاری برای سرپوش نهادن به نقض حقوق بشر از سوی شماری از کشورهای است که با دانش حقوق بشر در آشتی نیستند. آنها بر این باورند که موضوع جهان‌شمولی حقوق بشر در بسیاری از پیمان‌نامه‌ها و اعلامیه‌های حقوق بشری آمده است؛ پس چگونه می‌توان به نسبیّت‌گرایی فرهنگی استناد جست و از این طریق پشتیبانی از حقوق بشر را سست کرد؟

در مقابل، ایران در کنار نمایندگان سیاسی کشورهایی که تمایزات فرهنگی را در موضوع حقوق بشر دنبال می‌کنند بر این باورند که اصول، مفاد و هنجارهای بسیاری از پیمان‌نامه‌های حقوق بشری دستاورد همه ملل متمدن جهان نیست. به نظر آنها مفاهیم حقوق بشر باید متحول شوند و موضوع جهان‌شمولی این مفاهیم باید مورد بازبینی قرار گیرد زیرا مفاهیم و ابزارهای حقوق بشر نتیجه و دستاورد جنگ سرد بوده و هم‌اکنون نیز بیشترین تأثیر را از کشورهای شمال می‌پذیرد. به همین دلیل، این سازوکارها و هنجارهای حقوق بشر دربرگیرنده فرهنگ همه کشورها نیستند. یادآوری این نکته ضروری است که ایران برخلاف بسیاری از چنین کشورهایی، تنها خواهان بازنگری در شماری از قواعد است، نه بازبینی همه کنوانسیون‌ها. به همین دلیل، ایران در این زمینه باید مسیر خود را از نسبی‌گرایان رادیکال جدا کند.

۲-۲. کرامت بشری و تعامل فرهنگی

از جک دانلی و رودی هاوارد نقل می‌کنند که کرامت بشری یک ارزش جهان‌شمول است، اما حقوق بشر ریشه در غرب دارد و نیازمند یک رژیم لیبرال برای ایجاد آن است. به نظر آنها حقوق بشر همسان، برابر و هم‌اندازه با کرامت بشری نیست بلکه بیشتر به معنی کمال حمایت از کرامت بشری است.^(۱۳) این یعنی تفکیک میان کرامت بشری با حقوق بشر. از این منظر شاید شماری از کشورها دارای کرامت

بشری باشند اما سهمی در حقوق بشر ندارند. حقوق بشر یافته باخترنشینان است و اگر دیگران آن را بپذیرند آنگاه به کرامت واقعی دست یافته‌اند.

چنین جمله‌هایی تا چه اندازه می‌تواند قواعد حقوق بشر را تقویت کند؟ می‌دانیم که کرامت بشری همان صیانت از حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی (حقوق بشر) است و حقوق بشر هم همان کرامت بشری است. این دو از هم جدا نیستند نه در ریشه و نه در هدف. ممکن است در تفسیر قواعد حقوق بشر تمایزهای فرهنگی دیده شود ولی این تمایزها در تعارض با کرامت بشری نیستند. وانگهی همان‌گونه که نوربرتو بوبیو^۱ اظهار می‌کند، موضوع این نیست که این حقوق کدام و چگونه هستند، ماهیت آنها چیست و بر چه مبنایی قرار دارند یا اینکه طبیعی یا تاریخی‌اند، مطلق یا نسبی‌اند. موضوع یافتن یک روش مطمئن ضمانت از حقوق و پیشگیری از ادامه نقض آنهاست.^(۱۴)

ایران از جمله کشورهایی است که حقوق بشر را در راستای تعالی بشری و کرامت بشری می‌پذیرد. در همین زمینه نیز در آغاز هزاره سوم، گام‌هایی برای پدیداری یک هم‌اندیشی هنجاری و تعامل در ساخت برخی حقوق بنیادی آغاز شده است. این امر با گفت‌وگوی میان کشورها، تمدن‌ها و ادیان امکان‌پذیر است. ایران در این زمینه پیشرو بوده و پیشنهاد سال گفت‌وگوی تمدن‌های خود را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رساند.^(۱۵) اگر چنین شود و گفت‌وگوی واقعی میان کشورها و تمدن‌ها انجام پذیرد ما از پدیداری یک اخلاق واحد جهانی که با همه فرهنگ‌ها، ملت‌ها و تمدن‌ها سهیم باشد دور نخواهیم بود.^(۱۶) چه بسا کمک و هم‌فکری تمدن‌ها، دولت‌ها و ملت‌ها پیش‌درآمد رعایت حقوق بشر و کرامت بشری باشد. ایران در این موضوع با بهره‌گیری از دیدگاه‌های دانشمندان حقوق بشری خود می‌تواند سرآمد باشد.

۳. ایران و جهان‌شمولی حقوق بشر

۳-۱. جهان‌شمولی‌های حقوق بشر

فراگیری و گستردگی حقوق بشر به معنای جهان‌شمولی^۲ حقوق بشر است.

1. Norberto Bobbio
2. Universality

جهان‌شمول‌گرایان در سه گروه قرار می‌گیرند:

۱. جهان‌شمول‌گرایان دوافکتو: که بر این باورند حقوق بشر از لحاظ جهانی به عنوان یک ارزش جهان‌شمول پذیرفته شده است، همان‌طور که به عنوان یک ارزش جهانی سرقت از بانک نیز نادرست در نظر گرفته می‌شود. اگرچه هنوز سرقت از بانک رخ می‌دهد اما تقصیر تنها متوجه سارقان است نه اینکه سرقت خوب است.

۲. جهان‌شمول‌گرایان واقع‌گرا: آنها حقوق بشر را یک دارایی طبیعی جهانی می‌دانند. همه انسان‌ها طبیعتاً آن را دارا هستند. ولو اینکه برخی از مردم آن را به عنوان یک واقعیت نمی‌پذیرند مانند اینکه به رغم گرد بودن زمین برخی آن را مسطح می‌دانند. آنها جاهل هستند و نیازمند آموزش برای درک حقیقت.

۳. جهان‌شمول‌گرایان دوژور: به باور آنها هرچند ارزش‌های حقوق بشر به عنوان یک حقیقت مطرح نیستند و مورد پذیرش جهانی نبوده‌اند اما باید مورد پذیرش جهانی قرار گیرند.^(۱۷) آنان این حقیقت را می‌پذیرند که ارزش‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت هستند. با این حال آنها بر این باورند که ارزش‌های مهمی وجود دارند که درست‌تر یا برتر هستند و ما باید آنها را بپذیریم.^(۱۸)

هر سه نوع جهان‌شمولی، مخالف نسبی‌گرایی است. همان‌طور که پیش از این نیز بحث شد، نسبی‌گرایان بر این باورند که حقوق بشر ارزشمند است و از آنجایی که ارزش‌ها خاص هر فرهنگ هستند پس حقوق بشر نیز خاص هر فرهنگ است و حقوق بشر جهانی وجود ندارد.^(۱۹) ایران به طور قطع در هیچ‌یک از گروه‌های جهان‌شمول حقوق بشر قرار ندارد. با این همه این یک نکته غیر قابل انکار است که سودمندی فرایند جهان‌شمولی حقوق بشر در نخستین گام متوجه افراد انسانی است. آسیب و زیان یا سود و فایده جهان‌شمولی حقوق بشر بر وضعیت اجتماع اثرگذار است و در انسجام و یکپارچگی یک جامعه یا تعارض و چالش در آن جامعه مؤثر است. به همین دلیل ایران نمی‌تواند در موضوع جهان‌شمولی حقوق بشر یکسره بی‌تفاوت باشد و یا موضع انکار را دنبال کند. به همین دلیل، ایران خواسته‌های خود را در دسته نسبی‌گرایان رادیکال نیز قرار نداده است. ایران تنها به جهان‌شمولی

بخشی از حقوق بشر اعتراض داشته و به‌ویژه مخالف سیاست دوگانه^۱ در موضوع حقوق بشر است. ایران خواهان جهان‌شمولی حقوق بشر نسبت به غرب به‌ویژه امریکا و اسرائیل نیز هست؛ به همین روی ایران حقوق بشر را برای همه می‌خواهد. رئیس‌جمهور ایران در این زمینه اظهار داشت مرز ایران در موضوع حقوق بشر، عدالت است.^(۲۰)

۲-۳. تفسیرها و مغایرت‌های جهان‌شمولی

از نگاه روابط بین‌المللی، توجه به فراگیری و پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی حقوق بشر و پیمان‌نامه‌های دوگانه حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از منابع پایه‌ای و سرچشمه حقوق بشر محسوب می‌شوند؛ بنابراین، جهان‌شمولی این اعلامیه و در پی آن دیگر پیمان‌نامه‌های حقوق بشری، یک بحث کانونی است.^(۲۱) با این همه، ایران در کنار کشورهای خاورمیانه و نیز دیگر کشورهای اسلامی همواره بر حق شرط خویش نسبت به برخی از پیمان‌نامه‌های بین‌المللی حقوق بشر تأکید می‌کند. ایران، عربستان سعودی و برخی دیگر از کشورهای اسلامی، حق شرط‌های بسیار کلی و ویژه‌ای را نسبت به پیمان‌نامه‌های حقوق کودک و حقوق زنان ارائه کرده‌اند^(۲۲) ولی ایران هیچ‌گاه بنیاد و اصل حقوق بشر را به چالش نکشیده است.

از زاویه‌ای دیگر، جهان‌شمولی حقوق بشر و دیدگاه‌های ایران را می‌توان در موضوع «تفسیر» و «مغایرت» مورد بررسی قرار داد. بحث تفسیر با بررسی یکی از پرونده‌هایی که در دادگاه اروپایی حقوق بشر ارائه شد قابل بررسی است. در این دادگاه از دولت بریتانیا به دلیل اعمال تنبیه بدنی کودکان در این کشور شکایت شد و آن را نقض ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ممنوعیت مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز دانستند. یکی از قضات دادگاه که تابعیت بریتانیایی داشت اعلام کرد که اصلاً از این تنبیه متعجب نیست و شوکه نشده است. واکنش قاضی نشان می‌دهد که تربیت وی در آن جامعه سبب شده تا این موضوع برای وی بسیار طبیعی به نظر برسد. در حالی که دیگر قضات دادگاه که تجربه چنین تنبیهی را همانند

همکار انگلیسی خود نداشتند، اعلام کردند که این تنبیه، نقض کنوانسیون حقوق بشر است. این موضوع نشان‌دهنده دو نوع تفسیر گوناگون با توجه به تجربه‌های شخصی و اجتماعی در جوامع تربیتی گوناگون است؛ بدین روی درخواست ایران برای پذیرش اصل تفسیر مسبوق به سابقه حتی در جوامع باختر زمین است. ولی در مورد «مغایرت»، تعارض برخی مجازات‌های اسلامی با قواعد حقوق بشر مانند ممنوعیت مجازات‌های غیرانسانی و تحقیر آمیز قابل جمع نیست. برخی نتیجه می‌گیرند که به دلیل این مغایرت، موضوع جهان‌شمولی حقوق بشر مردود است و نسبت‌گرایی فرهنگی اصل مسلط بر هنجارها و قواعد حقوق بشری است. این موضوع نشان می‌دهد که جهان‌شمولی حقوق بشر همچنان دشوار است و در دعوی فراگیری و جهان‌شمولی قواعد حقوق بشر و نسبی‌گرایی فرهنگی باید سراغ قواعد ویژه و مشترکی رفت که همه کشورها در آن هم‌اندیشی داشته باشند. این موضوع سبب می‌شود تا بحث قواعد بنیادین حقوق بشر مطرح شود.

۳-۳. قواعد بنیادین حقوق بشر

قواعد بنیادین حقوق بشر پارادایم خوبی برای هم‌اندیشی در حقوق بشر است. در دو زاویه رادیکال جهان‌شمولی حقوق بشر و نسبی‌گرایی فرهنگی، میان‌فرهنگی بودن قواعد بنیادین حقوق بشر پلی میان این دو قطب است. قواعد بنیادین حقوق بشر یا هسته سخت حقوق بشر، از قواعد پایه‌ای و بنیادینی محسوب می‌شوند که در برابر دیگر قواعد حقوق بشر، برجسته‌تر، غیرقابل نقض و به عبارت دیگر انحراف‌بردار نیستند. پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۶ دسامبر سال ۱۹۶۶ که تا ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۹ تعداد ۱۶۴ کشور از جمله ایران آن را به تصویب رسانده‌اند،^(۳۳) در بند دوم ماده چهار این پیمان‌نامه، دسته‌ای از قواعد را به عنوان حقوق غیر قابل انحراف نام برده که عبارتند از: حق زندگی، منع شکنجه، منع بردگی و بندگی، منع بازداشت به لحاظ تعهد حقوقی، عطف بماسبق نشدن قانون در امور کیفری، داشتن شخصیت حقوقی و حق آزادی عقیده و مذهب. به عبارتی دیگر مفاد ۶، ۷، بند ۱ و ۲ ماده ۸، مفاد ۱۱، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ را در این پیمان‌نامه از حقوق غیرقابل انحراف در هر وضعیتی اعم از خطر عمومی، تهدید نسبت به ملت،

فورس ماژور، انقلاب، شورش و جنگ برشمرده است.^(۲۴)

همچنین دیوان دادگستری بین‌المللی در پرونده *بارسلونا تراکشن*^۱ از قواعد و اصول مربوط به حقوق اساسی بشر از جمله ممنوعیت بردگی و نابرابری نژادی به عنوان مصادیق تعهدات عام‌الشمول و بین‌المللی دولت‌ها نسبت به جامعه بین‌المللی^۲ نام برده است.^(۲۵) دیوان در پرونده آثار حقوقی ساخت یک دیوار در سرزمین اشغالی فلسطین به تاریخ ۹ ژوئیه ۲۰۰۴ نیز طی نظر مشورتی موضوع *obligations erga omnes* را دوباره مورد تأکید قرار داد. در این نظر مشورتی، دیوان ضمن یادآوری پرونده *بارسلونا تراکشن* و اینکه برخی از این تعهدات ماهیت «مرتبط با همه دولت‌ها» را دارند موضوع اهمیت این حقوق و اینکه همه دولت‌ها می‌توانند در پشتیبانی از این تعهدات نفع حقوقی داشته باشند را مورد اشاره قرار می‌دهد.^(۲۶)

با توجه به نوع این تعهدات، در بحث از قواعد بنیادین حقوق بشر می‌توان به *erga omnes* به عنوان تعهدات عام‌الشمول جامعه بین‌المللی در برابر وجدان مشترک بشری اشاره کرد که در پرتو ارتباطات بین‌المللی نوعی همبستگی بین‌المللی^۳ را نسبت به آنها به وجود می‌آورد. بر این مبنا، جامعه بین‌المللی نسبت به نقض این تعهدات که در واقع قواعد بنیادین حقوق بشر هستند، به شدت واکنش نشان خواهد داد مانند آپارتاید، کشتار دسته‌جمعی، برده‌داری، جنایت علیه بشریت، مسئولیت افراد و دولت‌ها، حقوق بشردوستانه و... چراکه در رأی دیوان، غیرقانونی شناختن کشتار دسته‌جمعی و اصول ناظر بر حقوق و آزادی‌های اساسی فردی انسان، مانند حمایت در قبال بردگی و نابرابری نژادی و... تعهدات عام‌الشمول یا *erga omnes* تلقی شده است.^(۲۷)

از سوی دیگر در حالی که بیشتر اسناد حقوق بشری، حق انحراف یا محدودیت یا حق شرط را پیش‌بینی می‌کنند، اما در عین حال یک دسته از قواعد و اصول را به عنوان قواعد حقوق بشر برمی‌شمارند که عدول از آنها در هیچ برهه و هنگامی مجاز نیست. نمونه آشکار این حقوق، همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، بند ۲ ماده ۴

1. Barcelona Traction
2. Obligation Erga Omnes
3. International Solidarity

پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز تعهدات عام‌الشمول مد نظر دیوان بین‌المللی دادگستری است. این قواعد، اصولی هستند که مستقل از اراده دولت وجود دارند و چون عمیقاً در وجدان بشریت و وجدان هر انسان معقولی ریشه دارند، نمی‌توان آنها را نادیده گرفت و یا تغییر داد.^(۲۸)

با توجه به همه اینها می‌توان گفت قواعد بنیادین حقوق بشر پارادایم میان‌فرهنگی و مورد پذیرش همه کشورها و جوامع هستند که عبارتند از: منع شکنجه، برده‌داری، آزادی عقیده و بیان، خواندن و نوشتن، حق زندگی، برخورداری از بهداشت و تندرستی که هیچ‌گاه قابل نقض و تعلیق نیستند.

اهمیت این قواعد به اندازه‌ای است که بدون رعایت آنها، مراعات دیگر اصول غیرممکن می‌شود. به عبارتی دیگر، هر یک از این اصول و هنجارها به اندازه‌ای بنیادین هستند که در واقع به وجود آورنده ماهیت هر حق دیگری محسوب می‌شوند.^(۲۹) اینکه ایران موضوع تفسیر و مغایرت در جهان‌شمولی حقوق بشر و نسبی‌گرایی برخی قواعد حقوق بشر را دنبال می‌کند، این بحث هیچ‌گاه در قواعد بنیادین دیده نشده زیرا ایران در کنار بسیاری دیگر از کشورها پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را بدون حق شرط تصویب کرده است؛ بنابراین ایران باید نسبت به این پیمان‌نامه خود را متعهد بداند. وانگهی جهان‌شمولی حقوق بشر دست کم در این قواعد مورد هم‌اندیشی اکثریت کشورهای عضو جامعه بین‌المللی است چراکه تاکنون ۱۶۴ کشور، این ماده و این پیمان‌نامه را مورد تصویب قرار داده‌اند و دیوان بین‌المللی دادگستری که یک رکن غیرسیاسی و صرفاً حقوقی است نیز این موضوع را تأیید کرده است. این قواعد بنیادیهایی هستند که کشورها آنها را همواره به رسمیت شناخته‌اند؛ بنابراین فراگیری آنها بیشتر می‌تواند مورد توجه باشد. این قواعد بنیادین، همان پُل میان‌فرهنگی بودن حقوق بشر با جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی حقوق بشر است. راهبرد بهینه ایران نیز روی آوردن به همین پُل میان‌فرهنگی است.

نتیجه‌گیری

ایران از کشورهای پیشگام در تدوین و تصویب منشور سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان‌نامه‌های حقوق بشری است. با این همه ایران دارای دیدگاه

منحصربه‌فردی در موضوع تفسیر و مغایرت اصول حقوق بشر با فرهنگ بومی، ملی و مذهبی خویش است. از سوی دیگر فراگیری همه اصول و قواعد حقوق بشر با توجه به گوناگونی و گستردگی فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و باورهای ملت‌های عضو سازمان ملل متحد محل تأمل و بررسی است. بر پایه نظریه نسبیت‌گرایی فرهنگی، قواعد حقوق بشر بر پایه تمایزات فرهنگی ملت‌ها قابل تفسیر است. در حالی که بر پایه تصویب پیمان‌نامه‌های حقوق مدنی و سیاسی از سوی ۱۶۴ کشور و با تأکید بر بند ۲ ماده ۴ آن، قواعد بنیادین حقوق بشر جهان‌شمول هستند. همین قواعد بنیادین حقوق بشر در بستر جهانی شدن به شدت در حال گسترش و جهان‌شمولی هستند؛ به گونه‌ای که به باور برخی پژوهشگران، اگر در دو دهه گذشته مناظرات اصلی حقوق بشر بحث میان طرفداران جهان‌شمولی حقوق بشر و نسبی‌گرایان فرهنگی بود، امروزه بحث و مناظره در حوزه جهانی شدن و بازتاب آن بر حقوق بشر متمرکز شده است؛^(۳۰) بنابراین، دست‌کم جهان‌شمولی قواعد بنیادین حقوق بشر که به تصویب و تأیید بیشتر کشورهای عضو جامعه بین‌المللی رسیده، محل هم‌اندیشی اعضای جامعه بین‌المللی است. همچنین دایره شمولیت این قواعد نیز رو به گستردگی است و آرام‌آرام قواعد بیشتری را دربرمی‌گیرد. این موضوع از بند ۲ ماده ۴ و نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در دو پرونده بارسلونا تراکشن و ساخت دیوار حائل آغاز شده و در کنوانسیون‌های منطقه‌ای کشورها نیز مورد تأیید قرار گرفته است. عرف بین‌المللی نیز هم‌اکنون به این امر کمک کرده است. راهبرد بهینه ایران در این موضوع قرار گرفتن در پل میان جهان‌شمولی و نسبیت‌گرایی فرهنگی است. ایران می‌تواند با تأیید قواعد بنیادین حقوق بشر خواهان اعمال عدالت در جامعه بین‌المللی شود. به باور ایران حقوق بشر موضوعی میان‌فرهنگی است و قواعد بنیادین حقوق بشر باید غرب و اسرائیل را نیز دربرگیرد. همچنین به باور ایران، میان‌فرهنگی بودن حقوق بشر در ارزیابی وضعیت حقوق بشر ایران و جامعه بین‌المللی لحاظ نمی‌شود؛ به‌ویژه اینکه ارزیابی‌های ارائه‌شده، بی‌طرفانه و غیرسیاسی نیست.

اگرچه تکنیک‌های حقوقی مراجع قضایی، سازوکارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، نظریه‌های پژوهشگران و استادان حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل، همگی بیانگر

ادامه چالش میان دو موضوع فرایند جهان‌شمولی حقوق بشر و نسبی‌گرایی فرهنگی است و اگرچه تلاش جامعه بین‌المللی بر این است که فهم نسبی مشترکی از قواعد بنیادین حقوق بشر به عمل آید ولی در این زمینه فرصت کافی به ایران داده نشده تا راهبردهای خود را ارائه کند. به باور ایران گفت‌وگوهای حقوق بشری ایران و اروپا یک‌سری گفت‌وگوهای یک‌سویه بوده است. تاکنون نیز این فرصت در اختیار کشورهای جنوب قرار نگرفته تا در این تعریف دارای نقش باشند. در این زمینه، گفتمان مسلط باخت‌زمین تلاش می‌کند تا یکسره به تعریف حقوق بشر و فشار برای جهان‌شمولی آنها بپردازد. این موضوع سبب می‌شود تا حاکمان کشورهای ناقض حقوق بشر از فرصت سوءاستفاده کرده و با بهره‌گیری نادرست از موضوع نسبی‌گرایی فرهنگی، حتی جهان‌شمولی قواعد بنیادین را در حاشیه‌نگه دارند. آنها اکنون به این موضوع استناد می‌کنند که غرب چگونه می‌تواند خواهان جهان‌شمولی حقوق بشر و تعریف قواعد بنیادین حقوق بشر باشد، درحالی‌که از پیشینه استعماری برخوردار است، تحریم‌های اقتصادی و فناورانه وضع می‌کند، در پشتیبانی از حقوق بشر میان کشورهای دارنده نفت و قاره افریقا تبعیض قائل می‌شود و به دیگر کشورها فرصت تعریف و ارائه دیدگاه‌های خویش را نمی‌دهد؟ به علاوه باخت‌رنشینان هیچ‌گاه به طور جدی نقض حقوق بشر از سوی اسرائیل را مد نظر قرار ندادند؛ اضافه کنیم به این نکته عدم تصویب کنوانسیون‌های حقوق بشری از سوی ایالات متحده آمریکا را. این کشور هنوز کنوانسیون حقوق زنان، پیمان‌نامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک و خیلی دیگر از کنوانسیون‌های تخصصی حقوق بشر را تصویب نکرده است.

اینها پرسش‌ها و داده‌های درست و باحقی هستند که ایران در مجامع بین‌المللی مطرح می‌کند و بیشتر کشورهای شمال و باخت‌زمین آنها را نادیده می‌گیرند. به همین روی دیدگاه ایران در میان فرهنگی بودن قواعد بنیادین حقوق بشر و نیز فراگیری آن برای همه کشورها و متعهد شدن همه کشورها به آنها در کنار اعمال عدالت و نیز مذاکره برای مدل‌های فرهنگی کشورهای جنوب از جمله راهکارهای قابل تأمل برای آشتی کشورهای جهان‌شمول‌گرا با کشورهای نسبی‌گراست. *

پی‌نوشت‌ها

۱. بنگرید به: مهدی ذاکریان، ایران و سازمان ملل متحد، جزوه درسی دوره دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، نیمسال دوم سال تحصیلی، ۱۳۸۸-۱۳۸۷.
۲. مهدی ذاکریان، حقوق بشر در هزاره جدید، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۵۴.
3. United Nations, *Status of Ratification of Human Rights Instrument (As of 25 September 2009)*, www.un.org.
4. United Nations, *The United Nations Human Rights Treaty System: An Introduction to the Core Human Rights Treaties and the Treaty Bodies*, Geneva: Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 2010, p. 3.
۵. بنگرید به قضیه هندی ساید در دادگاه اروپایی حقوق بشر
- Case of Hlandyside, *V. The United Kingdom*, Application Number 00005493/72, Date 07/12/1976.
6. <http://www.echr.coe.int/european-court-on-human-rights>, Excerpt of "Handyside" Decision.
7. *Ibid.*
8. *Ibid.*
9. *Ibid.*
10. *Ibid.*
۱۱. سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، ۱۳۷۶، ص ۱۲.
۱۲. مهدی ذاکریان، «جهانی‌شدن و جهان‌شمولی حقوق بشر»، در کتاب حقوق بشر و چشم‌اندازها، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۳.
13. Michael Goodhart, "Origins and University in the Human Rights Debates: Cultural Essentialism and the Challenge of Globalization", *Human Rights Quarterly*, Vol. 25, No. 4, November 2003, p. 943.
14. *Ibid.*, p. 963.
۱۵. کوفی عنان، «گفت‌وگوی تمدن‌ها»، در: مهدی ذاکریان، سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب‌نظران، تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۸۰، ص ۱۳.
16. Mahmood Monshipouri, Claude E. Welch, Evan Kennedy, "Multinational Corporations

and the Ethic of Global Responsibility: Problems and Possibilities”, *Human Rights Quarterly*, Vol. 25, No. 4, November 2003, p. 969.

۱۷. جوانا بوئر، «چالش‌هایی برای حقوق بشر بین‌المللی»، در: محمود منشی پوری و دیگران، تکوین حقوق بشر در عصر جهانی‌شدن، مترجم: مهدی ذاکریان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷، صص ۵۰۳-۵۰۲.

۱۸. همان، ص ۵۰۶.

۱۹. همان، ص ۵۰۳.

۲۰. سخنرانی‌های محمود احمدی‌نژاد در همایش بزرگ بیج، در نشست مشترک دولت و مجلس، در مدرسه دیپلماسی و روابط خارجی مالزی، در گردهمایی رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و در مصاحبه مطبوعاتی و تلویزیونی با خبرنگاران داخلی و خارجی:

www.president.ir/ fa....

21. Jack Donnelly, “Human Rights in the New World Order”, *World Policy Journal*, Spring 1992, pp. 259.

۲۲. بنگرید به حق شرط‌های کشورهای اسلامی نسبت به پیمان‌نامه‌های حقوق بشری. این حق شرط‌ها بسیار کلی و عمومی هستند. همچنین بنگرید به مقاله:

-William A. Schabas, *Dimensions Juridiques Et Judiciaires Des Droits De 1' Homme*, Strasbourg: IIDH, 1996, p. 86.

23. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, *Status of Ratifications of the Principal International Human Rights Treaties*, as of 25 September 2009.

24. Nations Unies, *Les Nations Unies Et Les Droits De 1' Homme, 1995-1995*, New York: Publications Des Nations Unies, 1995, p. 240.

25. *Ibid*, p. 510.

۲۶. همچنین بنگرید به:

International Court of Justice, *Legal Consequences of the Construction of A Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion*, 9 July 2004, General List, No. 131, pp. 60-61.

۲۷. جهانگیر کرمی، شورای امنیت سازمان ملل و مداخله بشردوستانه، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۵۷، ص ۸۴.

۲۸. جمشید ممتاز، حسین شریفی طراز کوهی، «حداقل قواعد حقوق بشردوستانه قابل اجرا در آشوب‌ها و شورش‌های داخلی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۷۸، ص ۹۸.

29. *Droits Intangible Des Droits De 1' Homme*, *Fribourg: Editions Universitaires*, 1991, pp. 234-235.

30. Michel Goodhart, “Origins and Universality in the Human Rights Debates: Cultural Essentialism and the Challenge of Globalizatio”, *Human Rights Quarterly*, Vol. 25, No. 4, November 2003, p. 936.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی